

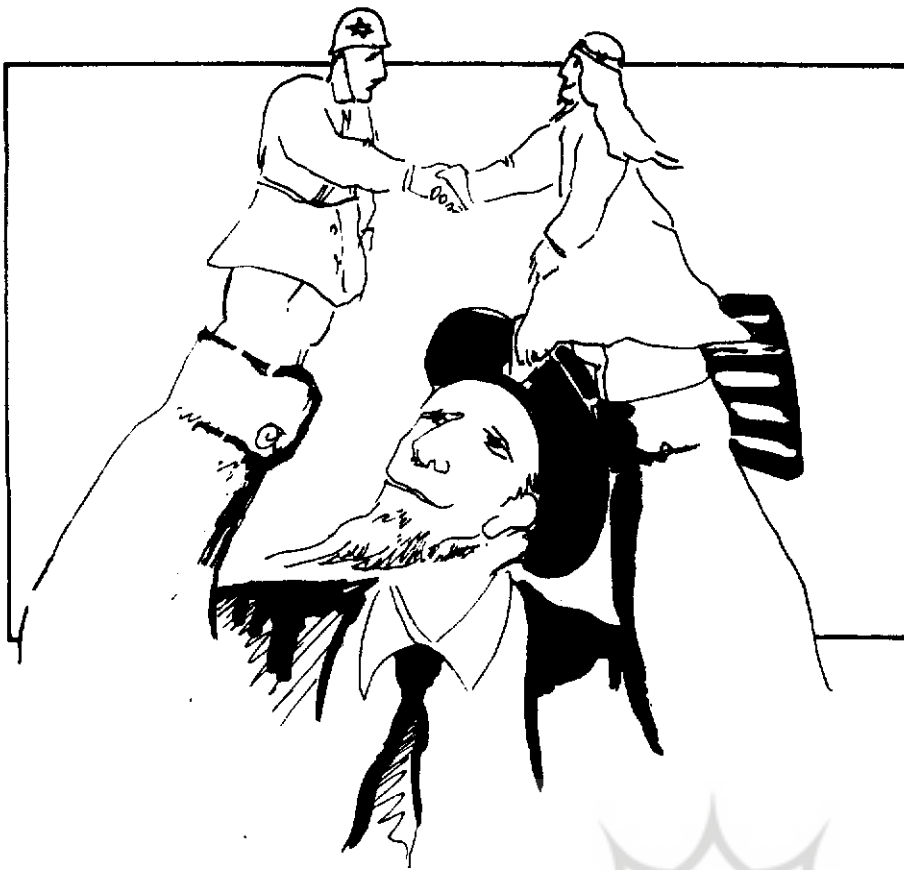
«بسمه تعالی»

یادآوری:

در شماره های قبل به تغییر و تحولات جهان عرب و سیر مذاکرات صلح بین رهبران عرب و صهیونیست از ابتدا تا جنگ اول اعراب و اسرائیل اشاره کردیم. اکنون به بررسی فعل و انفعالات و نتایج حاصله از جنگ و سلحهای بین سالهای ۱۹۶۷-۱۹۷۸ میپردازیم:

یورش ۱۹۶۷ اسرائیل و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل:

در روز شنبه پنجم ژوئن ۱۹۶۷، در ساعت هفت صبح (به وقت اسرائیل) نیروی هوایی اسرائیل به قصد درهم کوبیدن نیروی هوایی مصر و همچنین سوریه، باند فرودگاه را ترک کرد. در کمتر از سه ساعت ۳۰۰ فروند از ۳۴۰ فروند هواپیمای مصر بر روی باندها، نابود شد. به فاصله کمی، نیروی هوایی سوریه نیز مورد تهاجم جنگنده های اسرائیل قرار گرفت. پس از گذشت نیم ساعت از انهدام نیروی هوایی مصر، نیروی زمینی اسرائیل اقدام به یک



اسرائیل دست زده اند!!

بقاصله ۴ ماه پس از تهاجم برق آسای اسرائیل به مصر و سوریه و اشغال صحرای سینا، نوارغزه،

اعراب، اسرائیل، سازش (۳)

# از جنگ ۱۹۶۷ تا سازش ۱۹۷۸

است. ب - پایان دادن به تمام ادعاها و حالت جنگ و اقدام به شناسایی حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال تمام کشورهای که در این منطقه اند و حق هریک از آنان برای زندگی مسالمت آمیز در مرزهای امن و شناخته شده و دور از هرگونه تهدید و اعمال زور.

بدنبال این حمله، روحیه اعراب، خصوصاً ملت مصر، در هم شکسته شد. «جمال عبدالناصر» رئیس جمهور فقید مصر

بلندیهای جولان و ساحل غربی رود اردن - شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۴۲ را که از آن بعنوان

حمله شدید رعلیه مواضع مصر در نوار غزه و صحرای سینا کرد و در کمتر از چهار روز نوار غزه و صحرای سینا را تا ساحل غربی کانال سوئز به اشغال خود در آورد.

مخمسین بلندیهای جولان در شمال سوریه و کرانه غربی رود اردن را نیز منصرف شد و متعاقباً رهبران صهیونیست مجموعه مناطق اشغالی را عمق استراتژیک و حرم امنیت اسرائیل توصیف نمودند. البته همزمان با یورش هوایی اسرائیل رعلیه مصر و سوریه و همچنین اردن، مانند این کشور در سازمان ملل، رئیس شورای امنیت را در ساعت ۱۳/۱۰ به وقت نیویورک از خواب بیدار نمود تا به وی گزارش دهد که

«نیروی زمینی و هوایی مصر به تهاجم رعلیه

«سادات» میخواست با تهاجمی بظاهر پیروزمندانه از نظر نظامی در سال ۱۹۷۳، به موقعیت برتر سیاسی در مقابل اسرائیل در سطح جهان، نائل شود.

درصد درآمد تا با سازماندهی مجدد به ارتش و بازسازی آن و مجهز نمودن آن به سلاحهای مدرن جهت برقراری توازن نظامی با اسرائیل، بلحاظ باز پس گرفتن مناطق تحت اشغال اسرائیل و باز کردن روحیه رزمی به ارتش مصر و... نقش رهبری کشورش را در جهان عرب احیا کند.

تضمین کننده صلحی پایدار در خاور میانه یاد شد - تصویب کرد.

مواد اصلی قطعنامه ۲۴۲ بطور فشرده، عبارت زیر میباشد.

الف - عقب نشینی نیروهای مسلح اسرائیل از مناطق اشغالی که در اثر جنگ اخیر تصرف کرده

وی در این راه پایه های اصلی را که مشتمل بر متقاعد کردن شوروی به ارسال اسلحه برای مصر، البته نه به مقدار دلخواه و نیاز، تجدید سازمان ارتش و جلب تفاهم سوریه برای شرکت در جنگ و... بنیان گذاشت.

**فوت «ناصر» و روی کار آمدن «سادات»**

«ناصر» در سپتامبر ۱۹۷۰ چشم از جهان فرو بست و «انورالسادات» که تا این موقع معاون وی محسوب میشد، در پنج اکتبر همان سال بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد.

«سادات» نیز در عین بی اعتمادی نسبت به دوستی شوروی با اعراب و همچنین گرایشاتی به آمریکا بجهت جلب توافق این کشور برای انعقاد صلح «مصر - اسرائیل»، سیاست ناصر را در زمینه آماده کردن مصر برای ورود به جنگ با اسرائیل پی گرفت.

البته دیدگاه «سادات» در مورد چگونگی جنگ و کیفیت اهداف آن، با دیدگاه «ناصر» تفاوتی داشت.

**عدم شرکت سوریه در کنفرانس «صلح ژنو» مشابه موقعیتی تلقی شد که مصر و اسرائیل با خیالی آسوده به مذاکره بنشینند.**

ساعات از هنگام کسب مقام ریاست جمهوری در سال ۷۰ تا زمان وقوع جنگ در ۷۳ نظرش نسبت به موقعیت «اعراب، اسرائیل» تقریباً چنین بود: آمریکا و شوروی بلحاظ رعایت منافع مشترک در سطح جهان، با یکدیگر توافق نموده اند که از وقوع یک جنگ بین مصر و اسرائیل که پیروزی یکی را بر دیگری شمر دهد، ممانعت کنند. چرا که در آنصورت ابعاد جنگ از مرزهای مصر و اسرائیل فراتر رفته و منافع مشترک دو قدرت در معرض خطر قرار می گیرد. مصر نیاز و افری به سلاح هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی داشت، در حالیکه شوروی مصر را

دعوت به عدم توسل به جنگ می نمود.

از آن طرف کیسینجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا اعلام کرده بود که آمریکا از موجودیت اسرائیل حمایت میکند و نه از جنگهای این کشور. و خلاصه اینکه «سادات» از یک طرف بدین نکته آگاه بود که مصر توانائی غلبه بر اسرائیل را ندارد و از طرف دیگر از شور و حرارت مردم برای جنگ بر علیه اسرائیل و اعاده حیثیت اعراب غافل نبود.

بنابراین استراتژی سادات بر این قرار گرفت که طی یک تهاجم ظاهراً پیرومند از نظر نظامی، به موقعیت برتر سیاسی در مقابل اسرائیل - در سطح جهان نایل شود.

«سادات» فکر میکرد در اینصورت از طریق مداخله قدرتهای جهانی و شورای امنیت سازمان ملل، صلح با اسرائیل، بر پایه توازن قدرت را بدست خواهد آورد و دیگر چندان نیازی هم به شوروی نخواهد داشت.

شاید مزدی که «سادات»، در فبال چنین پیروزی! به غرب میداد همانا اخراج کارشناسان روسی از مصر و در حقیقت قطع نفوذ شوروی در خاور میانه بود.

بعبارت دیگر «سادات» چنین می پنداشت که نیروهای مصری با گذشتن از کانال سوئز و درهم شکستن خط دفاعی «بارلو» (استحکامات بسیار قوی و مجهز اسرائیل در ساحل شرقی کانال سوئز که پس از حمله ۱۹۶۷ به جهت ممانعت از حمله مصریها ایجاد شده بود) و بدست آوردن مراکز ثابتی در ساحل شرقی کانال، مراکز استراتژیک اسرائیل در معرض خطر قرار گیرد و از این موضع به شورای امنیت سازمان ملل برای وادار کردن اسرائیل به عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی مصر فشار بیاورد.

چه آن که با چنین حرکتی، خاور میانه از حالت «نه جنگ»، «به صلح» بیرون میرفت و قدرتهای بزرگ مجبور به دخالت در فیصله دادن به آن میشدند.

**جنگ رمضان ۱۹۷۳ و قرارداد «ژنو»**

بلحاظ تامین این شرایط در سپتامبر سال ۱۹۷۳ سران سه کشور سوریه، مصر و اردن در کنفرانس قاهره طی دوروز گفتگو، طرح «بدر» را که در برگزیده جنگ اکتبر ۷۳ یا جنگ رمضان بود، تصویب کردند.

طبق این طرح، سوریه می بایست ارتفاعات جولان را از اسرائیل پس می گرفت.

مصر می بایست با حمله به صحرای سینا، تنها به اشغال یک باریکه سی کیلومتری از ساحل شرقی کانال سوئز اکتفا میکرد.

«ملک حسین» نیز با گشودن جبهه سوم قسمتی از نیروهای اسرائیل را بحال آماده باش در مرزهای اردن متوقف می ساخت.

البته سادات فکر بهره گیری از سلاح نفت را نیز بوسیله متقاعد کردن «ملک فیصل» پادشاه عربستان کرده بود.

### سادات:

**با راهنمایی خردمندانه «نیکسون» و کوششهای «دکتر کیسینجر» به قرارداد صلح ژنو دست یافتیم!!**

بهر ترتیب ارتش مصر و سوریه در ششم اکتبر ۱۹۷۳ با استفاده از عنصر غافلگیری، اقدام به حمله همزمان بر علیه اسرائیل نمودند.

در پنج روز اول جنگ اوضاع جبهه ها به سود اعراب پیش میرفت.

در پنج روز دوم، سرنوشت جنگ تغییر کرد و نیروهای اسرائیلی مواضع از دست داده را یکی پس از دیگری بازپس گرفتند.

و خلاصه در پنج روز سوم مقدمات آتش بس به هنگامی فراهم شد که ارتش اسرائیل آماده پیشروی بیشتر در سرزمینهای عربی بود.

در یازده نوامبر، یعنی حدوداً پس از گذشت اندکی بیشتر از یک ماه، از جنگ، معاونان ارتشهای اسرائیل و مصر در چادری واقع در کیلومتر

۱۰۱ جاده قاهره - سوئز، به سرپرستی «کیسینجر» ملاقات و مذاکره کردند و رعایت قرار داد آتش بس را به اتفاق امضاء نمودند.

از سال ۱۹۴۹ به بعد این نخستین تماس دو مقام رسمی مصر و اسرائیل بشمار میرفت.

در آن موقع روزنامه های مصر از بیم خشم توده ورق بزنید

های مردم از درج و بخش این خبر خودداری کردند. پس از این تماس، مصر اعلام آمادگی برای شرکت در کنفرانس «ژنو» کرد.

کنفرانس «ژنو» در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۷۳ با شرکت نمایندگان مصر، اردن و اسرائیل و با نظارت نمایندگان آمریکا و شوروی و سازمان ملل متحد گشایش یافت.

قبل از آغاز جنگ «سادات» در نظر داشت نمایندگان «ساف» را نیز در این کنفرانس شرکت دهد اما گویا بنا به خواست «کیسینجر» از پی گیری آن صرف نظر نمود.

سوریه در این کنفرانس شرکت نکرد و این بمثابة موقعیتی تلقی شد که مصر و اسرائیل با خیالی آسوده تر به مذاکره بنشینند.

در کنفرانس «ژنو» به میزانی که آمریکا نقش جدی و فعالتری را دنبال میکرد، موقعیت شوروی رو به ضعف میرفت و در نتیجه روند کنفرانس روز به روز بیشتر به سود اسرائیل مسند. مذاکرات کنفرانس «ژنو» که در حقیقت ادامه مذاکرات حاد ۱۵۱ جاده قاهره - سوز، بود - اخیر بواسطه روسای ستادها و دو کشور پیش میرفت و در واقع کنفرانس «صلح ژنو» مذاکره دو جانبه بین مصر و اسرائیل بود و مابقی نقش سریش داشتند. شمار این کنفرانس امضاء قرارداد بی بین دو کشور مزبور بنا به «قرارداد جدا ساختن نیروها» بود که نخستین گام بسوی صلح بشمار میرفت.

بدین ترتیب در ظهر هیجده ژانویه ۱۹۷۴ فرماندهان ارتش مصر و اسرائیل اولین موافقت نامه دوجانبه مصری - اسرائیلی را امضاء کردند.

در همین روز «نیکسون» رئیس جمهور وقت آمریکا به «سادات» تلفنی تبریک گفت.

سادات نیز در پاسخ یک خبرنگار اظهار داشت که «با راهنمایی خردمندان «نیکسون» و کوششهای دکتر «کیسینجر» به این نتایج دست یافته و امیدواریم که این کوششها تا برقراری صلحی عادلانه ادامه یابد».

متقابلاً وزیر خارجه آمریکا گفت بدون رهبری خردمندان «سادات» رسیدن به چنین توافقی ممکن نبود. بهر حال قرارداد «جدایی نیروهای متخاصم» شرح زیر بود:

۱- عقب نشینی اسرائیل تا عمق ۲۲ کیلومتری داخل سینا (تا معابر متیلا و جدی)

۲- عقب نشینی بیشتر نیروهای مصری از ساحل شرقی کانال سوز (برچیدن پایگاههای موشک انداز

از ساحل کانال، کاهش نیروهای مصر از ۷۰۰۰۰ به ۷۰۰۰ و کاهش تعداد تانکها به ۳۰ تانک در ساحل شرقی کانال سوز)

۳- تعهد اسرائیل به عقب نشینی بیشتر در چارچوب قراردادهای صلح.

۴- قرار گرفتن نیروهای سازمان ملل بین دو ارتش مصر و اسرائیل و شبه جزیره سینا».

البته پیش از این، به منظور هماهنگ کردن کوششهای دیپلماتیک اعراب، بنا بر درخواست مصر

### کارتز:

شناسایی اسرائیل از جانب همسایگان وی، اولین شرط برقراری صلح دائمی در خاورمیانه بحساب می آید. من ایجاد و تاسیس دولت اسرائیل را از نجیبانه ترین اقدامات دولتهای دنیا میدانم...

و سوریه در تاریخ ۱۹۷۳/۱۱/۲۹ اجتماعی از سران کشورهای عربی در الجزایر تشکیل شده بود. طی این کنفرانس ادامه قطع نفت بعنوان یک حربه سیاسی و همچنین شرکت اعراب در کنفرانس «صلح ژنو» برای مذاکره مستقیم با اسرائیل به تصویب رسیده بود.

مقدمات قرارداد «کمپ دیوید» در ادامه اتخاذ چنین سیاستهایی بود که «سادات» بعدها در سپتامبر ۱۹۷۸ به اتفاق بگین و کارتر،

در ارداد «کمپ دیوید» را امضاء کرد. ظاهراً مبتکر این طرح «کارتر» رئیس جمهور نینس آمریکا بود.

«کارتر» که در سال ۱۹۷۷ به ریاست جمهوری ایالات متحده رسیده بود، در هشتم مارس همان سال

احتمالاً پیش از انتخاب شدن به ریاست جمهوری طی یک سخنرانی در روستای «کالیبتون» واقع در ایالات «ماساچوست» گفته بود:

«میتواند تهاه شما آگاهید که طی ۲۹ سالی که از تاسیس اسرائیل میگذرد، همیشه در خاورمیانه جنگی واقع بوده، یا بیم وقوع جنگی میرفته است.

با این همه، من ایجاد و تاسیس دولت اسرائیل را

از نجیبانه ترین اقدامات دولتهای دنیا میدانم. از این روشناسانی اسرائیل از جانب همسایگان وی، اولین شرط صلح دائمی در خاورمیانه، به حساب می آید، شناسایی حق حیات دائمی اسرائیل و حیات دائمی در صلح است».

این بدان معنا است که مرزهای اسرائیل با سوریه، لبنان، اردن و مصر، طی سالها بروی سفر

و سیاحت، ارتباطات فرهنگی و تجاری - بدون توجه به حکومتهای این کشورها - باز باشند، چه ملل این

کشورها، طی این مدت به خلق تفاهم مشترک و هدفهای مشترکی که بتواند مانع جنگ گردد -

جنگی که مدتهای طولانی بدین منطقه آسیب رساند، است - توانائی خواهند داشت.

این شرط اولین برقراری صلح است. شرط دوم، که مهم و درعین حال چندان سهل نیست، عبارت است از:

ضرورت برقراری مرز دائمی برای اسرائیل. کشورهای عرب معتقدند که اسرائیل، می

بایست تا پشت خطوط ۱۹۶۷ و ایس نشیند، و اسرائیل در جهت ضمانت اجرای امنش معتقد به لزوم

باز ای تجدید نظرها در خطوط مورد بحث است. این مسئله می بایست با گفتگوی دو جانبه

اسرائیل و اعراب حل شود.

مسئله مرزها هنوز هم مشکلات و سختی های می آفریند.

و نیز در آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. سومین شرط برقراری صلح، حل مشکل فلسطین

است. فلسطینی ها تا این لحظه معتقدند که اسرائیل، کوچکترین حق حیاتی در منطقه ندارد.

و سرزمینی که اسرائیل بر آن برپاست، سرزمین ایشان است، و تا این لحظه هنوز آشکارا به رها

ساختن اندیشه از میان بردن اسرائیل اقرار نموده اند. این مشکل نیز بایست حل شود.

طبعاً ایجاد موطنی برای پناهندگان فلسطینی - که سالهای دراز رنج کشیده اند - ناگزیر است.

یافتن راه حل این قضیه، در اول وهله، کار تمامی کشورهای عرب و سپس کار کشورهای عربی است که با اسرائیل گفتگو کنند.

«محمد حسنین هیکل» مفسر و مساحب نظر مصری از مطالب فوق چنین نتیجه گیری میکند:

۱- بی شک صلح ضروری است، صلحی که اعراب به اسرائیل هدیه می کنند و غیر قابل بحث و

گفتگو است.

## استان پربرکت ...

ندیده نیست البته افراد مسن وجود دارند که کاملاً گیاهان را می‌شناسند و ما با عده ای از اساتید دانشگاه صحبت کردیم و قول مساعد داده اند و در جهاد هم موزه ای بنام موزه گیاهان دارویی در حال تاسیس است که بنام شهید مهندس علی انصاری استاندار سابق گیلان نامگذاری شده. مسئله دیگر تکثیر ماهی است به طور مصنوعی که ما می‌توانیم همه ساله مقدار زیادی ماهی تولید کنیم در این زمینه قبلاً با شیلات قراردادی در مورد آموزش دادن بچه های جهاد توسط افراد متخصص آن سازمان داشتیم ولی متأسفانه بچه های جهاد را آموزش ندادند و کار شکنی های زیادی در کار کردند در صورتی که مسئولین شیلات در رأس آنها هم خوبی هستند ولی در شیلات افراد فاسد و وابسته زیادی هستند و آنها نمی‌خواهند برای مملکت کار بشود اگر آنها جدیت و کوشش کنند به جایی که هر روز شیلات اجناسش را کران کند با تولید بیشترش که آن بچه ماهی های مختلف هست می‌تواند در آمد هنگفتی برای شیلات جور کند ولی متأسفانه همانطوری که گفته شد پارسال همکاری نکردند ولی بچه های خود جهاد با همکاری و هوشیاری و کوشش خود توانستند مقداری بچه ماهی تولید کنند اما امسال سعی می‌کنیم به خواست خدا حداقل ۲۰ میلیون بچه ماهی تولید شود و سیاست ما اینست که این بچه ماهی ها را در آبریزها بریزیم که هم دولت وهم مردم می‌توانند آنها را حسد کنند و امسال هم آزمایشی مقداری بچه ماهی در رودخانه های مختلف ریختیم از خدا می‌خواهیم به همه ما توفیق دهد که بتوانیم خدمت بکنیم البته بهترین و بیشترین نبروهای ما را بجهه های جنگ و بازسازی جذب می‌کند و همانطوری که امام فرمودند مسئله اصلی جنگ است از این نظر ما هم الویت را به جنگ داده ایم. والسلام

و «بگین» در نشست پانزیمی انجمن عمومی سازمان ملل شرکت و سخنرانی نمایند و سپس کارتر از آنها برای آمدن به واشنگتن دعوت بعمل آورد و به اتفاق آن دو، جلسه مشترکی تشکیل دهد.

«سادات» در قبال این طرح به «اسماعیل فهمی» وزیر امور خارجه مصر (فهمی تنها کسی بود که از طرح مشترک «سادات» و «کارتر» خبر داشت) گفت: «چرا برای ملاقات با «بگین» این همه راه تا واشنگتن بروم؟»

چنانچه بجای این کار به‌مراه رؤسای جمهور پنج قدرت بزرگ جهانی به اسرائیل بروم، این واقعه انعکاس بیشتری خواهد داشت و به این ترتیب اسرائیل را وادار به امضای قرارداد صلح خواهیم کرد.

لیکن جواب «کارتر» به طرح «سادات» منفی بود.

اندکی بعد فرستادگانی از طرف «سادات»، ژنرال «دایان» وزیر امور خارجه اسرائیل را بطور مخفیانه در مراکش ملاقات می‌کنند.

«دایان» به نمایندگان «سادات» می‌گوید:

«چنانچه رئیس جمهور مصر به دیدار ما بیاید، امتیازات فوق العاده زیادی خواهیم داد.»

«شاه حسن» حاکم مراکش، نیز «سادات» را تشویق به مسافرت به تل آویو میکند.

«شاه حسن» به «سادات» اطمینان میدهد که:

«این واقعه تاریخی خواهد شد، یک ابتکار عمل قاطع و تعیین کننده، من اولین کسی خواهم بود که از شما حمایت می‌کنم.»

و خلاصه با این تمهیدات «سادات» مهابی سفر به اسرائیل میشود.

وی در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷ وارد تل آویو و فردای آنروز در کنیسه (پارلمان اسرائیل) شرکت و به نطق «بگین» گوش میدهد و در پایان برایش کف می‌زنند!!

پس از «بگین»، «سادات» در پشت تریبون قرار می‌گیرد و طی سخنرانی خود بنا به درخواست «بگین» از صحبت در مورد فلسطینیان و سازمان آزادیبخش فلسطین خودداری میکند!!

سال بعد در دسامبر ۱۹۷۸ در حالیکه «سادات» بزعم خود نمایندگی اعراب و فلسطینیان را بعهده داشت - در کمپ دیوید شرکت کرد و دست دوستی با «بگین» و «کارتر» به علامت دوستی و حل مسائل فی مابین - فشرده!!

ادامه دارد.

۲- باز پس دادن سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷ به اعراب به گفتگوی بین اعراب و اسرائیل وابسته است.

۳- «ایجاد موطن» در واقع چیزی جز اسکان پناهندگان فلسطینی که در سالهای دراز رنج کشیده‌اند نیست و ابتدا بوسیله تمام دولتهای عربی و سپس بوسیله اسرائیل از راه کشورهایی که با وی گفتگو خواهند کرد، بایست حل شود.

بهر ترتیب راه حل فوق دیدگاه «کارتر» نسبت مسئله خاور میانه بود و روی کار آمدن وی زمینه طی شدن مراحل نهایی صلح مصر و اسرائیل را از طریق «کمپ دیوید» که بر اساس شناسایی و برسمیت شناختن اسرائیل از جانب مصر و تخلیه مرحله‌ای و مشروط صحرای سینا از نیروهای اسرائیلی و... بود، بوجود آورد.

در واقع به هنگامیکه در آوریل ۱۹۷۷ «سادات» در واشنگتن بسر میبرد، استدلال «کارتر» را مبنی بر تماس مستقیم با اسرائیلی ها پذیرفت.

وی قبول کرد که بین وزرای خارجه مصر و اسرائیل ملاقاتی صورت گیرد.

«طرح ونس» وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات مقامات مصری و اسرائیلی

«دایان» وزیر خارجه وقت اسرائیل: چنانچه «سادات» به دیدار ما بیاید، امتیازات فوق العاده زیادی خواهیم داد...  
«سادات» در پارلمان اسرائیل در نوامبر ۱۹۷۷ بنا به درخواست «بگین» از صحبت در مورد فلسطینیان و سازمان آزادیبخش فلسطین خودداری کرد...

چنانچه در انتخابات اسرائیل حزب لیکود جای حزب «ماپام» را گرفت، «سایروس ونس» وزیر امور خارجه آمریکا طرح تازه‌ای برای ملاقات بین مقامات مصری و اسرائیلی ارائه داد.  
طرح تازه «ونس» به این شکل بود که «سادات»